

فهرست

- ۱۳.....مقدمه‌ای در هفت پرده..... ۷۵
- ۱۳..... پرده‌ی یک: آن فیلم..... ۸۶
- ۱۷..... پرده‌ی دو: کوچک‌ها و بزرگ‌ها..... ۱۰۱
- ۱۷..... پرده‌ی سه: راز شهروندی..... ۱۱۱
- ۱۸..... پرده‌ی چهار: درام تمام‌نشدنی..... ۱۲۱
- ۱۹..... پرده‌ی پنج: این سطور..... ۱۳۱
- ۲۰..... پرده‌ی شش: همسفران نزدیک..... ۱۴۱
- ۲۱..... پرده‌ی هفت: این عزیز..... ۱۵۱
- ۲۳..... فصل اول: روزی روزگاری امجدیه..... ۱۶۱
- ۲۹..... فصل دوم: ایران: تیغ و ابریشم..... ۱۷۱
- ۳۰..... یک ورزش امروزی..... ۱۸۱
- ۳۲..... توپ ما، توپ آن‌ها..... ۱۹۱
- ۳۷..... اولین سفر..... ۲۰۱
- ۴۰..... نخستین تیم‌ها..... ۲۱۱
- ۴۲..... تربیت‌بدنی، سیاست‌پیشگان و امجدیه..... ۲۲۱
- ۴۴..... تیم ملی در آغاز راه..... ۲۳۱
- ۴۸..... تب فزاینده‌ی دهه‌ی چهل..... ۲۴۱

| | |
|----------|--|
| ۵۲..... | اسرائیل: تیغ دولبه..... |
| ۵۵..... | استرالیا و جام‌های جهانی ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸..... |
| ۶۲..... | اردوی تیم ملی، خیانت است به ملت..... |
| ۶۴..... | رؤسای که آمدند و رفتند..... |
| ۶۶..... | هجوم اعراب..... |
| ۷۰..... | نبرد ملبورن..... |
| ۷۳..... | جام جهانی ۱۹۹۸: دشمنان قدیمی..... |
| ۷۶..... | معمای دکتر اکرامی..... |
| ۸۷..... | پرسپولیس و علی عبدو..... |
| ۹۲..... | از شاهین به شهباز..... |
| ۹۳..... | تاج: شب ژنرال‌ها..... |
| ۹۶..... | قصه‌ی قرمز و آبی..... |
| ۱۰۹..... | علی پروین و پروینیسیم..... |
| ۱۱۶..... | شهرستانی‌ها را باور کن..... |
| | فصل سوم: بریتانیا (انگلستان، اسکاتلند، ایرلند و ولز): |
| ۱۲۱..... | جزیره‌نشین‌ها علیه فیفا..... |
| ۱۲۴..... | جنگ با فیفا..... |
| ۱۲۸..... | قانون دوگانه..... |
| ۱۳۱..... | یک جزیره، یک بریتانیا..... |
| ۱۳۴..... | اسکاتلند: ارتش تارتان..... |
| ۱۳۵..... | ایرلند شمالی: کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها..... |
| ۱۳۶..... | ولز: فشار از دو سو..... |
| ۱۳۸..... | انگلستان: شیر در زمستان..... |
| ۱۴۱..... | کی هستی و از کجا می‌آیی؟..... |
| ۱۴۶..... | لیگ برتر: هجوم پول..... |
| ۱۵۱..... | فصل چهارم: اسپانیا: توفان ادامه دارد..... |
| ۱۵۲..... | قصه‌ی جدایی‌طلبی..... |
| ۱۵۳..... | فریاد دائمی باسک..... |
| ۱۵۶..... | دیکتاتوری فرانکو..... |
| ۱۶۰..... | معمای تیم ملی..... |
| ۱۶۴..... | بارسلونا: چیزی بیش از یک باشگاه..... |
| ۱۶۹..... | رنال مادرید: تاج پادشاهی..... |
| ۱۷۰..... | افسانه‌ی برنابو..... |
| ۱۷۳..... | رنال: چشم‌وچراغ حکومت..... |
| ۱۷۴..... | بارسا و رنال مادرید: دشمنان ابدی..... |
| ۱۷۹..... | افراطی‌های نو..... |
| ۱۸۱..... | فصل پنجم: ایتالیا: عاشق‌ها، افراطی‌ها و تیفوسی‌ها..... |
| ۱۸۳..... | انجمن‌های رسمی طرف‌دارها..... |
| ۱۸۵..... | تیفوسی و اولترا..... |
| ۱۹۲..... | بریکاد و کماندو..... |
| ۱۹۶..... | فاشیسم: پیروز شوید یا بمیرید!..... |
| ۲۰۲..... | همه‌ی مردان شیفته‌ی قدرت..... |
| ۲۰۴..... | جایگاه تیم ملی ایتالیا کجاست؟..... |
| ۲۰۹..... | فصل ششم: آلمان: ژرمن‌ها بازمی‌گردند، همیشه بازمی‌گردند..... |
| ۲۱۰..... | جنگ و صلح..... |
| ۲۱۶..... | طبقه‌ی کارگر وارد می‌شود..... |
| ۲۱۹..... | از بورسیا دورتموند تا بایرن مونیخ: از سنت تا مدرنیسم..... |
| ۲۲۳..... | قصه‌ی دو آلمان..... |
| ۲۲۹..... | فصل هفتم: فرانسه: آبی، سپید، قرمز..... |
| ۲۳۱..... | مذهب، سکولاریسم و ورزش..... |
| ۲۳۳..... | غریبه‌های آشنا..... |
| ۲۳۶..... | هویت ملی..... |
| ۲۴۱..... | زخم‌پذیری به شیوه‌ی فرانسوی..... |
| ۲۴۳..... | اوج و حضيض فوتبال حرفه‌ای..... |

۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰

مقدمه ای در هفت پرده
 پرده ی یک: آن فیلم
 خاطره های ملموسی از سینماهای تابستانی دوران کودکی که کنار مادر مهربانم
 روی صندلی های چوبی آبی رنگ برابر پرده ای بزرگ زیر آسمان پرستاره ی
 کرمانشاه می نشستم، دارم. آن قدر ملموس که هنوز می توانم تصور کنم دستم به
 یکی از ستاره ها می رسید. زمانی که فوتبال هنوز راهی به زندگی ام نیافته بود.
 مثل خیلی ها از سال های اولیه ی کودکی با فوتبال آشنا نشدم. با این وصف
 دویدن دنبال گلوله های توپی آتش گرفته طی یکی از چهارشنبه سوری های
 کودکی در یکی از دشت های اطراف کرمانشاه طعمی فراموش نشدنی داشت.
 توپ هایی ساخته شده از گونی های نخعی که با غرقاب کردن درون نفت و
 کشیدن کبریت به گلوله های آتشی بدل شده بودند.

مقدمه ای در هفت پرده

پرده ی یک: آن فیلم

چند سال بعد با فوتبال آشنا شدم. دقیقاً در پاییز ۱۳۴۳ و متأسفم که روز و
 ماهش را به یاد نمی آورم. روزی که برای اولین بار به امجدیه رفتم و نزدیک به دو
 دهه آن جا ماندم. روی سکوهای چوبی که بعداً بتنی شدند. از چند پله ی بغل
 چپ جایگاه بالا رفتم و هربار چمن گاهی سبز و گاهی زرد امجدیه را دیدم،
 ذوق کردم. ذوق کردم و هربار پا به دنیای دیگری گذاشتم. احساس ورود به